

## به نگاره در آوردن کارها و کنش‌هایی در برابر بازگشت تولید به زمان پیش از بحران 1

### برونو لاتور

شاید اندکی نامناسب باشد که در زمانی که کارکنان بهداشت و درمان، به گفته‌ی خودشان در «خط مقدم جبهه» هستند و میلیون‌ها نفر کار خود را از دست می‌دهند و بسیاری که عزادار درگذشت عزیزان‌شان هستند حتی نمی‌توانند آنان را به خاک بسپارند، خود را به پس‌بحران فراق‌گنی کنیم. و با این حال، درست هم‌اکنون است که ما باید وارد کارزار شویم، مبادا زمانی که بحران بگذرد، با بهبودی اقتصادی، همان رژیم آب‌وهوایی از سر گرفته شود که از گذشته تاکنون می‌کوشیدیم با آن ستیز کنیم و بهبودی می‌نمایید. در واقع، بحران تندرستی در چیزی گنجانده شده که بحران نیست که همیشه گذار است و می‌گذرد، بلکه در یک جهش زیست‌محیطی (اکولوژیکی) ادامه‌دار و بازگشت‌ناپذیر گنجانده شده است. اگر به اندازه‌ی کافی بخت با ما یار باشد که از اولی «بیرون بیاییم»، هیچ بختی نداریم که از دومی هم «بیرون بیاییم.» این دو وضعیت در یک سطح و میزان نیستند، اما به بیان در آوردن یکی با دیگری، بسیار روشن‌گرانه است. به هر حال، جای افسوس دارد که از بحران تندرستی، برای پیدا کردن راه‌روش و دست‌افزار دیگری سود نجوییم تا بدون چشم‌بند وارد جهش زیست‌محیطی شویم.

نخستین درسی که ویروس کرونا به ما یاد داد، شگفت‌انگیزترین هم هست: در واقع ثابت کرده‌ایم که شدنی است که در چند هفته، سیستم اقتصادی در همه جای دنیا و هم‌زمان در هوا آویزان و معلق شود، سیستمی که به ما گفته شده آهسته کردن یا تغییر جهت آن ناشدنی است. در برابر هر گفت‌وشنود زیست‌محیط‌شناسان (اکولوژیست‌ها) در باره‌ی تغییر روش‌های زندگی، همواره در ستیز با آن، گفت‌وشنودی در باره‌ی نیروی برگشت‌ناپذیر «قطار پیشرفت» وجود داشت و گفته می‌شد که به دلیل «جهانی‌شدن»، هیچ‌چیز نمی‌تواند آن قطار را از ریل خارج کند. و با این حال درست همین خصلت جهانی‌شده آن است که این توسعه‌نگین را چنان شکننده می‌کند که با کشیدن ترمز و بازایستادن آن، آسیب‌پذیر می‌شود.

در واقع تنها شرکت‌های چندملیتی یا پیمان‌های تجاری یا اینترنت یا گردانندگان تور نیستند که سیاره را جهانی می‌کنند. در این سیاره، هر کلیتی برای آویزان شدن به یک‌دیگر و تمامی عناصری که جمع را در لحظه‌ای معین می‌سازد، راه‌روش خود را دارد. این در مورد دی‌اکسید کربن CO<sub>2</sub> که در حال گرم‌کردن سراسر کره‌ی زمین است به همان اندازه درست است که در مورد پرنده‌گان مهاجری که گونه‌های تازه‌ای از آنفولانزا را با خود به این سو آن سو می‌برند، و به شکل دردناکی داریم می‌بینیم که ویروس کرونا هم این گنجایش را دارد که «تمامی مردمان» را از راه ترشح‌های گوناگون و در ظاهر نامتهاجم سرفه و عطسه با هم پیوند بزند. جهانی‌کننده، جهانی‌کننده و نیم: پرسش مهندسی دوباره اجتماع *resocialization* میلیاردها نفر، میکروب‌ها اندکی این کار را می‌کنند!

بنابراین این کشف باورنکردنی که: پنهان از چشم ما، یک دکمه‌ی قرمز هشداردهنده‌ای در سیستم اقتصادی جهان با یک دستگیره استیل وجود داشته که سران دولت‌های بتوانند هر یک به‌نوبه خود آن را بکشند تا بی‌درنگ «قطار پیشرفت» را با صدای ترمز گوش‌خراش بخوابانند. اگر در ژانویه تقاضای یک چرخش 90 درجه‌ای برای فرود آمدن بر زمین، خواب‌وخیالی خوش می‌نمود، اینک بسیار واقع‌بینانه‌تر شده: هر راننده‌ای می‌داند که برای چرخاندن ناگهانی فرمان ماشین به قصد جان سالم به در بردن (بدون خارج شدن از جاده) بهتر است نخست شتاب را اندکی کم کند...

متأسفانه، تنها زیست‌محیط‌شناسان نیستند که در این درنگ ناگهانی سیستم جهانی‌شده‌ی تولید، فرصت بی‌همتایی برای پیش‌بردن برنامه‌ی فرود بر زمین خود می‌بینند. جهانی‌کننده‌ها هم که از میانه‌ی سده‌ی بیستم انگاره‌ی گریز از پایبندی‌های سیاره‌ای را نوآوری کردند. فرصت بزرگی در آن می‌بینند تا بازدارنده‌های بر سر راه گریزشان از زمین را به شکل حتی ریشه‌ای‌تری در هم بشکنند. چشم‌اندازی بی‌همتا برای آنها: بیرون کشیدن خود از بازمانده‌ی دولت به‌زیستی از تور امن بی‌مایه‌ترین (فقیرترین) و بازمانده‌های مقرراتی در ستیز با آلودگی و حتی بدبینانه‌تر از آن خلاص شدن از شر تمامی این سیاه‌لشکرهایی که سیاره را پُر کرده‌اند. 2.

اما بیایید این پنداشت را فراموش نکنیم که این جهانی‌کننده‌ها از جهش زیست‌محیطی (اکولوژیکی) آگاهند و تمامی تلاش‌های آنها در پنجاه سال گذشته، دربرگیرنده‌ی نه تنها انکار اهمیت تغییرات آب‌وهوایی، بلکه دوری جستن از پیامدهای آن با ساختن باروهای تقویت‌شده‌ی امتیاز و برتری‌ای بوده که ناگزیر برای کسانی

که باید به حال خود رها شوند، دسترس‌پذیر نیست. آنها تا به این اندازه ساده‌دل و خوش‌خیال نیستند که رویای مدرنیستی توزیع جهانی «میوه‌های پیشرفت» را باور کنند، نکته‌ی تازه این است که آن‌قدر بی‌پرده هستند که چنین خیالی خامی را از خود به جا نگذارند. 3 آنها کسانی هستند که هر روز در فاکس نیوز سخن می‌گویند و تمامی دولت‌هایی را از مسکو، تا برازیلیا و دهلی نو و واشنگتن از راه لندن اداره می‌کنند که به تغییرات آب‌وهوایی شکوتردید دارند.

چیزی که وضعیت کنونی را تا به این اندازه خطرناک می‌کند تنها زیاد شدن هر روزی مردگان با نرخی فزاینده نیست، در هوا آویزان شدن سیستم اقتصادی است که به آنهایی که می‌خواهند در گریز از دنیای سیاره‌ای بسی دورتر روند، این فرصت شگرف را می‌دهد تا «تمامی ورق‌هایشان را روی میز بگذارند.» نباید فراموش کرد که آنچه این جهانی‌کننده‌ها را بسیار خطرناک می‌کند این است که باید بدانند بخته‌اند و انکار جهش زیست‌محیطی نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد و برای آشتی دادن «توسعه» خود با پاکت‌های سیاره‌ای گوناگونی که اقتصاد باید از این یا آن راه در آنها گنجانده شود، هیچ بختی وجود ندارد. این چیزی است که آنها را آماده می‌کند تا هر چیزی را بیازمایند تا برای آخرین بار هم که شده، شرایطی را با چنگ و دندان نگاه دارند که به آنها اجازه دهد تا اندکی بیشتر بمانند و سرپناهی برای خود و فرزندان‌شان داشته باشند. این «بازایستادن دنیا»، این ترمز ناگهانی، این درنگ نامنتظره این فرصت را به آنها می‌دهد تا با شتابی بگریزند که به سختی می‌توانستند به خیال درآورند. 4 در حال حاضر، آنها انقلابی‌اند.

در اینجا است که ما باید بجنبیم. اگر فرصتی برای آنها دست داده، برای ما هم دست داده است. اگر همه چیز در هوا آویزان و معلق شده، شاید بتوان آنها را به زیر سؤال برد، پشت‌ورو کرد، برگزید، رده‌بندی و برای همیشه رد کرد یا بر عکس شتاب بخشید. اینک زمان موجودی انبار گرفتن سالیانه است. عقل سلیم از ما می‌خواهد: «هر چه زودتر تولید را از سر بگیریم»، باید با فریاد زنیم: «به‌هیچ‌رو!» آخرین کاری که باید بکنیم تکرار همان کاری است که در گذشته می‌کردیم.

برای نمونه، چند روز پیش، یک پرورش‌دهنده‌ی هلندی گل را با چشمانی پر از اشک در تلویزیون نشان می‌دادند که ناگزیر شده بود تُل‌ها گل لاله‌ای را که آماده‌ی فرستادن بود، دور بریزد. بدون مشتری، نمی‌توانست آنها را با هواپیما به دور جهان بفرستد. بی‌تردید درست این است که با او همدلی کنیم و زیانتش جبران شود. اما دوربین سپس به سراغ لاله‌هایی می‌رود که او بدون خاک زیر نور چراغ رشد می‌داد تا آنها را از فرودگاه شیپول با هواپیمایی که از آن کروسین مانند باران می‌ریزد برای مشتریان بفرستد و این تردید را به وجود می‌آورد که «آیا به درازا کشاندن این روش تولید و فروش این‌گونه گُل‌ها به‌راستی درست است؟»

یک چیز به چیز دیگر می‌رسد، اگر ما همگی نزد خود شروع به پرسیدن چنین پرسش‌هایی در باره‌ی تمامی جنبه‌های سیستم تولید کنیم، با جمعیت میلیونی خود، برهم‌زنندگان کارساز جهانی‌شدن می‌شویم، به همان اندازه کارساز که ویروس ننگین کرونا دارد به شیوه‌ی خود جهان‌گیر می‌شود. چیزی که ویروس ننگین کورونا از ترشحات معمولی سرفه از یک دهان به دهان دیگر می‌گیرد - در هوا آویزان کردن اقتصاد دنیا - ما هم می‌توانیم با حرکت‌های اشاره‌ای نه چندان مهم خود، همین کار را به خیال‌ونگار درآوریم: یاد گرفتن در هوا آویزان کردن سیستم تولید. با پرسیدن چنین پرسش‌هایی، کاروتکلیف هر یک از ما به خیال‌ونگار درآوردن کارهای بازدارنده است، اما نه تنها در ستیز با ویروس، بلکه در ستیز با هر عنصری از شیوه‌ی تولیدی که نمی‌خواهیم از سر گرفته شدن آنرا ببینیم. برای همین دیگر موضوع، از سر گرفتن دوباره‌ی سیستم تولید یا مهار آن نیست، بلکه دور شدن از تولید به عنوان اصلی بی‌همتا در روابط ما با دنیاست. 5 این بیشتر از آن‌که انقلاب باشد، فروپاشی پیکسل به پیکسل است. همان‌طور که پیر شارپونیه نشان داده: پس از صد سال که سوسیالیسم تنها به بازتوزیع سودهای اقتصاد کرانمند بوده، شاید موضوع بیشتر نوآوری سوسیالیسمی است که خود تولید را به مبارزه بکشاند. 6 بیداد و بی‌عدالتی تنها به بازتوزیع میوه‌های پیشرفت بازمی‌گردد، بلکه به شیوه‌ی مربوط می‌شود که به زور سیاره را به بار می‌نشانند. این به معنای از رشد انداختن یا تنها و بدون عشق یا آب‌نوشیدنی زیستن نیست. معنایش این است که یاد بگیریم تا هر بخش این سیستم به اصطلاح برگشت‌ناپذیر را برگزینیم، یک علامت سؤال در برابر هر یک از پیوندهای گریزناپذیر پنداشتی آن بگذاریم و سپس هر چیزی را که خواستنی است و هر چیزی را که دیگر خواستنی نیست با آب‌وتاب بیشتری بیازماییم.

بنابراین اهمیت بنیادین به کار بردن این زمان انزوای تحمیلی برای توصیف، ابتدا هر کس برای خودش و سپس گروهی در این نهفته است: چه چیزی است که به آن دلبسته‌ایم؛ چه چیزی است که آماده‌ایم از آن دست بکشیم؛ زنجیره‌هایی را که آماده بازسازی آنها هستیم و آنهایی که در رفتار خود تصمیم به برهم‌زدن آنها

داریم، کدامند؟ 7 در باره جهانی‌کننده‌ها، چنین می‌نماید که انگاره‌ی بسیار روشنی در باره چیزی دارند که می‌خواهند زایش دوباره آن‌را در پس‌بحران ببینند: همان چیزها و بدتر از آن، صنایعی که با سوخت فسیلی کار می‌کنند و کشتی‌های عظیم تفریحی به عنوان عیدی. رویارویی با آنها با سیاهه‌ی موجودی متضاد، به عهده‌ی ماست. اگر در یکی دو ماه، میلیون‌ها نفر می‌توانند با یک سوت، «فاصله‌گذاری اجتماعی» را بیاموزند، با همبستگی بیشتری از هم دوری کنند، در خانه بمانند تا بار را از روی بیمارستان‌ها کم کنند، آن‌گاه به آسانی می‌توان نیرو و قدرت دگرگون‌کننده‌ی را به خیال و نگاره درآورد که این کارهای بازدارنده در برابر بازگرداندن کسب‌وکار به شکلی که در گذشته بوده، یا بدتر در برابر کوبیده شدن به دست کسانی دارند که می‌خواهند از جاذبه‌ی زمینی برای همیشه بگریزند.

از آنجا که وسواس من همواره این است که بخواهم هر گفت‌ووشنودی را با تمرین‌های به‌دردبخور (عملی) پیوند زخم، مایلم از خوانندگان دعوت کنم تا بکوشند به این سیاهه‌ی کوتاه پاسخ دهند. بسیار بارورتر است اگر با تجربه‌ای شخصی و زندگی شده پیوند داشته باشد. موضوع تنها ابراز عقیده نیست، بلکه توصیف وضعیت و شاید به درازا کشاندن آن با کندوکاوی کوتاه. تنها دیرتر، اگر راهی برای درآمیختن پاسخ‌ها برای به نگاره‌درآوردن منظره‌ای بیابیم که از برهم‌چینی آنها ساخته می‌شود می‌توانیم شکلی از ابراز سیاسی واقعیت‌یافته و منسجم بیابیم - اما نه پیش از آن.

توجه: این پرسش‌نامه به معنای بازجویی نیست. کمکی برای توصیف خود است. 7 تهیه کردن سیاهه‌ای از فعالیت‌هایی است که حس می‌کنید به دلیل بحران کنونی از آنها ناکام شده‌اید و حس‌وحال دست‌یابی در شرایط جوهری موجودیتان به شما می‌بخشد. برای هر فعالیت، می‌توانید نشان دهید که دوست دارید به همان سان (مانند گذشته)، بهتر از سر گرفته شود، یا به‌کلی بازایستد.

**تمرین کوچکی برای این‌که چیزها دوباره پس از قرنطینه همانی نشوند که پیش از آن بوده‌اند.**

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

پرسش ۱: چه فعالیت‌هایی است که اینک در هوا آویزان شده و شما امیدوارید از سر گرفته نشوند؟  
پرسش ۲: بنویسید (الف) چرا گمان می‌برید این فعالیت زیانبار/ زیادی و بیهوده/ خطرناک/ ناهمگن است (ب) چه‌گونه ناپدیدشدن / در هوا آویزان شدن / جایگزینی آن می‌تواند فعالیت‌هایی را که شما دوست دارید آسان‌تر / همگن‌تر کند. (برای هر کدام از فعالیت‌هایی که در پرسش ۱ آورده‌اید یک بند جداگانه باز کنید).

پرسش ۳: چه کارهایی را پیشنهاد می‌دهید تا به کارگران / کارمندان / کارگزاران / کارآفرینانی که دیگر نمی‌توانند به آن فعالیت‌هایی ادامه دهند که شما کنار می‌گذارید؛ کمک کند تا بتوانند دوران گذار به فعالیت‌های دیگر را بگذرانند؟

پرسش ۴: امیدوارید کدامیک از فعالیت‌هایی که اکنون در هوا آویزان شده، رشد و توسعه یابند/ از سر گرفته شوند یا حتی دوباره از صفر شروع شوند؟

پرسش ۵: بنویسید (الف) چرا این فعالیت از دید شما مثبت می‌نمایند، (ب) چه‌گونه سایر فعالیت‌هایی را که شما مطلوب می‌پندارید آسان‌تر / هماهنگ‌تر / همگن‌تر می‌کند و به دست‌وپنجه نرم کردن با آنها می‌کند نامطلوب می‌پندارید یاری می‌رساند. (برای هر کدام از فعالیت‌هایی که در پرسش ۴ برشمردید؛ بندی جداگانه باز کنید).

پرسش ۶: چه کارهایی را پیشنهاد می‌دهید که به کارگران / کارمندان / کارگزاران / کارآفرینان یاری می‌رساند تا به گنجایش‌ها / راه‌روها / درآمد / دست‌افزارهایی دست یابند که برای آفریدن و رشد این فعالیت مورد نظر لازم است.

(سپس راهی برای مقایسه توصیف‌های خود با دیگر شرکت‌کننده‌ها بیابید.

گردآوری و سپس درکنارهم‌گذاری پاسخ‌ها کم‌کم باید منظره‌ای را تولید کند که از خط‌های تعارض و ناسازگاری؛ پیوستگی و یکی بودن (اتحاد)؛ بگوومگو و ستیز ساخته شده است. )

برگردان به فارسی: رؤیا منجم

پاورقی‌ها:

1. این مقاله در 29 مارس 2020 در AOC منتشر شد:

<https://aoc.media/opinion/2020/03/29/imaginer-les-gestes-barrieres-contre-le-retour-a-la->

[production-davant-crise/](http://www.bruno-latour.fr/node/782).

2. نگاه کنید به مت استرولر در باره‌ی لابی‌گرایان «جنون‌زده» در امریکا: «اگر مراقب نباشیم لایحه کمک مالی می‌تواند به کودتای شرکت‌های بزرگ تبدیل شود.» گاردین، 2020/3/24.

3. «ما در یک سیاره زندگی نمی‌کنیم» <http://www.bruno-latour.fr/node/782>

4. Danowski, Deborah, and Eduardo Viveiros de Castro. *The Ends of the World (Translated by Rodrigo Nunes)*. London: Polity Press 2016.

5. See Dusan Kazic, *Plantes animées- de la production aux relations avec les plantes*, thèse Agroparitech, 2019.

6 Pierre Charbonnier, *Abondance et liberté. Une histoire environnementale des idées politiques*. Paris: La Découverte, 2020. <sup>7</sup> This auto-description picks up on the procedure in the new 'ledgers of complaints' suggested in Bruno Latour, *Down to Earth: Politics in the New Climatic Regime*. Cambridge, UK: Polity Press, 2018, and afterwards developed with the consortium OÙ atterrir <http://www.bruno-latour.fr/fr/node/841.html>

توصیف خود از سر گرفتن روند دغدغه‌های تازه‌ای است که برونولاتور در نوشته‌ی خود به نام *کجا پایان می‌یابد؟ چگونه سویمندی خود را در سیاست بیابیم*، پیشنهاد می‌دهد. پاریس: کشف، 2017 که از آن زمان در گروهی از هنرمندان و جست‌وجوگران رشد یافته است.